



شعر در عهد شاه اسماعیل شاعر

با نگاهی به اشعار مانی شیرازی
و چند شاعر دیگر

مریم رجیبی نیا
کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

□ ۱- سابقه‌ی تاریخی

و زندگی شاه اسماعیل

شاه اسماعیل صفوی فرزند شیخ حیدر از نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی روز سه‌شنبه ۲۵ رجب سال ۸۹۲ هـ.ق. در اردبیل به دنیا آمد. یک سال بعد، پس از مرگ پدر همراه مادر و دو برادرش در قلعه‌ی استخر فارس زندانی^۱ و با مرگ یعقوب بیگ آق‌قویونلو، پس از چهار سال و نیم اسارت آزاد شد. علی پسر بزرگ شیخ حیدر در حوالی اردبیل کشته شد. صفویان دو برادر دیگر را به رشت^۲ و پس از آن به دعوت کارکیا میرزاعلی، فرمانروای شیعه‌مذهب لاهیجان، به لاهیجان منتقل کردند.

در آن‌جا شمس‌الدین لاهیجانی برای آموزش اسماعیل انتخاب شد و علاوه بر او، امیر نجم رشتی زرگر در تربیت سیاسی او نقشی برجسته داشت.^۳

هنگامی که اسماعیل کم‌تر از سیزده سال داشت، از لاهیجان خارج شد و به شهرهای مختلف از جمله دیلم و طارم رفت و در بین راه گروه زیادی از صفویان و مریدان پدرش از طوایف مختلف که بعدها به سبب کلاه سرخ رنگ‌شان قزلباش نام گرفتند، گرد او جمع شدند.^۴ مورخان صفوی درباره‌ی ابراهیم، برادر دیگر و فرجام کارش توضیحی نمی‌دهند و به‌درستی معلوم نیست که او پس از ترک لاهیجان چه سرنوشتی داشت و در کجا و چه‌گونه درگذشت.^۵

اسماعیل نوجوان در سال ۹۰۷ هـ.ق. در تبریز تاج‌گذاری کرد و خود را شاهنشاه خواند. او مقام صدرات را به قاضی شمس‌الدین لاهیجانی، معلمش در لاهیجان و مقام وکالت را به حسن بیگلرگله شاملو از صفویان آذربایجان عطا کرد.

اسماعیل از همان روز نخست فرمانروایی، مذهب شیعه را مذهب رسمی کشور اعلام و مردم را به پذیرفتن آن مجبور کرد و بی‌رحمی‌های بسیاری در حق اهل سنت انجام داد.^۶

با این حال برقراری تشیع دوازده امامی به‌عنوان مذهب رسمی کشور، موجب ایجاد آگاهی بیش‌تر نسبت به هویت ملی و ایجاد دولت متمرکز و قوی‌تر شد.^۷

او در سال‌های ابتدای حکومت، مشغول از میان بردن قدرت و نفوذ دولت آق‌قویونلو و سرکوب حکام محلی شد و به یاری او دوران حکومت ترکمانان بر قسمتی از ایران به پایان رسید. یکی از والاترین ارزش‌های تاریخی دوره‌ی شاه اسماعیل همین است که در دوره‌ی حکومتش ایران به‌صورت یک سرزمین مستقل درآمد و از دیگر کشورهای اسلامی متمایز شد.

اسماعیل هنگام تاجگذاری، تنها بر ناحیه‌ی آذربایجان تسلط داشت، ده سال طول کشید تا توانست باقی ایران را فتح کند.^۸

او در سال ۹۱۴ هـ.ق. امیر نجم رشتی زرگر را به‌جای حسین بیگلرگله شاملو، وکیل خود کرد و به توصیه‌ی وی امیر یاراحمد خوزانی

اصفهانی را مقام وزارت داد.

شاه اسماعیل امیرنجم رشتی را بسیار دوست می‌داشت و وقتی امیر یاراحمد خوزانی را پس از مرگ وی در سال ۹۱۵ هـ.ق. به وکالت برگماشت، او را نجم ثانی لقب داد و گفت که می‌خواهد نام نجم همیشه بر زبانش باشد.

امیر نجم ثانی در سال ۹۱۸ هـ.ق. از طرف شاه اسماعیل به فرماندهی سپاهی برای سرکوبی ازبکان انتخاب و راهی ماوراءالنهر شد. مردانه جنگید، اما شکست خورد و پس از دستگیری به امر عبیدخان ازبک کشته شد.^۹ فتوحات شاه اسماعیل در سراسر ایران و تشکیل یک دولت قوی شیعی مذهب موجب هراس سلطان سلیم‌خان اول عثمانی و در نتیجه لشکرکشی وی به جانب ایران در سال ۹۲۰ هـ.ق. شد.

سلطان سلیم در دشت چالدران، سپاه شاه اسماعیل را با وجود دلآوری‌های تحسین‌انگیز شاه و سرداران و سواران قزلباش، شکست داد.^{۱۰}

تاثیر این شکست انزویه عمیقی در قلب شاه اسماعیل ایجاد کرد. روحیه‌ی جنگاوری خود را از دست داد، نرم‌خو و بی‌علاقه به جنگ شد و از غرور و تعصب مذهبی‌نشانی در وی باقی نماند. زن‌باره و شراب‌خواری دایمی شد و در این راه به زیاده‌روی پرداخت تا این‌که سرانجام در ۱۹ رجب سال ۹۲۰ هـ.ق. درگذشت و در اردبیل به خاک سپرده شد.^{۱۱}

۲- اوضاع هنری، زبانی و ادبی عهد شاه اسماعیل

هنردوستی شاهزادگان تیموری باعث رواج و پیشرفت انواع هنرها شده بود و صفویان وارث سنت‌های هنری دربار تیموری بودند. به این ترتیب به برکت تلاش شاهزادگان تیموری، نیمه‌ی اول عصر صفوی یکی از بارورترین اعصار هنر ایرانی در دوره‌ی اسلامی است. شاخه‌های گوناگون هنر از قبیل نقاشی، منبت‌کاری، خوشنویسی، تذهیب، جلدسازی، قالی‌بافی و نساجی در این دوره سرشار از کمال و لطافت است.

از دیگر ویژگی‌های این دوره رواج زبان ترکی است. احیاگر استقلال و شکوه ایران، شاه اسماعیل اول صفوی خود از شاعران خوب به زبان فارسی و ترکی و با تخلص خطایی بود.^{۱۲}

ظاهراً زبان مردم آذربایجان و خاندان صفوی لهجه‌ی از فارسی و موسوم به آذری بود و فرزندان شیخ صفی‌الدین تا زمان شاه اسماعیل به زبان ترکی سخن نمی‌گفتند و گویا شاه اسماعیل این زبان را از مریدان آسیای صغیری خود آموخته بود.

به هر حال در این دوره بر اثر ارتباط دایم ترک‌زبانان ماوراءالنهر، بویژه تیموریان و ترکان آسیای صغیر با ایرانیان، لغات ترکی در زبان فارسی نفوذ کرد.

شاه اسماعیل «ده نامه»‌ی در ۱۴۰۰ بیت به ترکی سروده بود که در سال ۱۹۴۸م در باکو به چاپ رسید و دیوان اشعار ترکی او را هم آکادمی علوم آذربایجان شوروی به نام شاه اسماعیل خطایی در سال ۱۹۶۶م منتشر کرد.^{۱۳} در دیوان او اشعار زیادی وجود دارد که آمیزه‌ی از دو زبان فارسی و ترکی هستند. در این دیوان چند شعر فارسی نیز به چشم می‌خورد. مانند این غزل:

«باز گرد ای جان که جسمم بی‌تو در افکنندگی ست

مرده‌یسی را بار دیگر آرزوی زندگی ست

گر منم این جا دلم آن جاست در خدمت مقیم

گرچه زان حضرت تم دور است جان در بندگی ست

پیش مهر عارضت مه خود نماگر شد چه شد

هر چراغی را به قدر نور خود تابندگی ست

عاشقان را رخنه‌ها از گریه بر رخ شد پدید

رنخه بر دیوارهای خانه از بارندگی ست

نرگس ار با چشم مستت لاف زد اینک ببین

سرمه پیش افکنده با صد عذر از این شرمندگی ست

پیشه کن افکنندگی تا بر سر آیی در زمین

ای خطایی، سرفرازی دانه را ز افکنندگی ست»^{۱۴}

و نیز مخمس بسیار نیکویش در تضمین یکی از غزل‌های حافظ که گواه تسلطش به زبان فارسی است:

«تو آن گلی که خراب تو گل‌عذارانند

اسیر بند کمنند تو شهسوارانند

به بند دانه و دامت چو من هزارانند

«غلام نرگس مست تو تا جدا رانند

خراب بساده‌ی لعل تو هوشیارانند»

تو با کرشمه و ناز و گدا به عجز و نیاز

کنون که صاحب حسنی به حسن خویش بناز

تو را رقیب و مرا شد غم تو محرم راز

«تو را صیبا و مرا آب دیده شد غماز

و گرنه عاشق و معشوق رازدارانند»^{۱۵}

شاه اسماعیل به شاهنامه‌ی فردوسی علاقه داشت و این علاقه به حدی بود که از پنج پسر خود، نام چهار پسر را تهماسب، بهرام، سام و رستم گذاشت که از پهلوانان شاهنامه بودند. هم‌چنین تصمیم گرفت به پسر بزرگش تهماسب که در آن زمان خردسال بود، شاهنامه‌ی مصور هدیه دهد و برای این کار فرمان داد تا بزرگان هنر نقاشی، مینیاتور و خطاطی که در دربار او جمع بودند، از برجسته‌ترین رویدادهای شاهنامه تصاویری زیبا فراهم کنند و شعرهای شاهنامه را در آن‌ها بنویسند.

شاه اسماعیل زود از دنیا رفت و فرصت دیدن این شاهکار عظیم را نداشت، تهماسب به احترام نیت پدر، پس از نشستن بر تخت، هنرمندان را به ادامه‌ی کار تشویق کرد و در مدت بیست سال تهیه‌ی یکی از گران‌بهارترین و زیباترین آثار هنری جهان به پایان رسید.

شاه تهماسب نه سال پیش از مرگش آن اثر هنری را به مناسبت تهنیت جلوس سلطان سلیم دوم عثمانی به دربار او فرستاد و از آن تاریخ به بعد از دسترس ایرانیان دور ماند و پس از جابه‌جایی‌های متعدد اکنون در کتابخانه‌ی هاتن دانشگاه هاروارد که محل نگه‌داری کتاب‌های نفیس خطی است، در اتاق مخصوص قرار دارد.^{۱۶}

به هر حال با وجود علاقه‌ی شاه اسماعیل و پسرانش به شعر و ادب فارسی، به شاعران اعتنائی چندانی نمی‌شد. تملق‌گویان و مدیحه‌پردازان به بهانه‌های مختلف گردهم جمع شدند و مجالس آن‌ها کم کم میعادگاه قوالان و مطربان شد.^{۱۷}

به این ترتیب اگر هم گاهی توجهی به شعر و شاعری می‌شد، در حدی نبود که شعر فارسی اعتلا یابد یا دست کم موقعیت خود را حفظ کند. بسیاری از مورخان و محققان، دوران صفویه را دوره‌ی انحطاط ادبی می‌دانند؛ البته بدیهی‌ست که در این انحطاط، خرابی‌های مفعول و تیموریان تاثیر چشمگیری داشته است. این دوره نه تنها از وجود گویندگان بزرگ خالی بود، بلکه موضوع مهم شعر شعرای گذشته یعنی عرفان، متروک شد،^{۱۸} زیرا با رسمی شدن مذهب شیعه‌ی دوازده امامی و در پی آن قتل و آزار صوفیان به دست صفویان باعث شد تصوف و عرفان که با شعر و ادبیات پیوند استواری داشت، از بین برود.^{۱۹}

تندروی‌های مذهبی شاه اسماعیل و جانشینانش موجب ایجاد محیط نامساعد برای دانشوران، هنرمندان و شعرا شد و بسیاری از آنان، ایران را ترک کردند و عموماً به سه کشور عثمانی، هندوستان و ماوراءالنهر رفتند. مهاجرت دانشمندان و ادیبان به کشورهای بیگانه و تسلط قزلباشان بی‌دانش بر جامعه، از سنگین‌ترین ضربه‌هایی است که شاه اسماعیل با تندروی‌های مذهبی خود بر ایران و آینده‌ی آن وارد کرد.^{۲۰} پس از ترک ایران توسط بسیاری از شعرای توانمند، سست‌گویی در زبان رواج یافت، زیرا بیش‌تر گویندگان از مردم عادی و پیشه‌وران بودند و گفتارشان از لغزش و خطا دور نبود و رواج همین خطاها موجب شد بسیاری نادرستی‌ها چهره صواب پذیرد.^{۲۱}

بنابراین مقدمات، بدیهی‌ست که درباره‌ی شعر دوره‌ی صفوی باید انتظار فصاحت و بلاغت موجود در شعرای گذشته را رها کرد و معیارهای دیگری را جست.



۳- قالب، مضمون و سبک شعر در عهد شاه اسماعیل

با وجود بی‌رونقی بازار شعر، گروهی از شعرا مانند فغانی شیرازی، لسانی شیرازی، مانی شیرازی، هلالی جغتایی و... ایران را ترک نکردند و توانستند سبک شعر خویش را ترقی دهند.

در این دوره چون شعرا بیش‌تر حالات درونی لطیف و خیال‌انگیزی‌های عاشقانه‌ی خود را بیان می‌کردند، قالب غزل بیش‌تر توجه آن‌ها را به خود جلب کرد. پیداست که اگر شاعران این عصر هیچ تحولی در شعر به‌وجود نمی‌آوردند و عیناً همان مضامین و قالب‌های گذشته را تکرار می‌کردند، به‌عنوان مقلدان بی‌بصر و گویندگان بی‌ابتکار محکوم می‌شدند،^{۲۲} پس سعی کردند مضامین شعری تازه و ترکیب‌هایی نو و خیال‌پردازی‌های ظریف را وارد شعر خود کنند.

در این دوره به دلیل این‌که شعرا از انحصار درباریان و درس‌خواندگان و حلقه‌ی خواص بیرون آمده بودند و قهوه‌خانه‌ها و مکان‌های عمومی، محل شعرخوانی و رقابت‌های شعری شده بود و چون مخاطب شاعران این عهد بیش‌تر مردم بودند، زبان شعر به زبان ساده‌ی عوام نزدیک شد.^{۲۳}

ویژگی غزل‌های این دوره، یکتاختی عمومی آن‌ها در بیان حالات عشق، وصال، فراق و عواطف گوناگون است و برخی شعرا نیز به بیان اندیشه‌های حکمی و عرفانی مبادرت داشتند. در این دوره بعد از غزل، قالب قصیده رواج داشت و شعرا آن را برای مدح پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) به‌کار می‌بردند. هرچند سرودن این نوع شعر در دوران پیشین هم سابقه داشت، اما گویی شعرای این عهد قصیده‌سرایی درباری این موضوعات را به‌عنوان قریحه خود به‌حساب می‌آوردند. به‌طور کلی سبک شعر دوره‌ی صفویه را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف. سبک شعر قرن دهم که حد واسط سبک عراقی و هندی‌ست و در ادامه بررسی خواهد شد.

ب. سبک هندی که اوایل قرن یازدهم پدید آمد.

در قرن دهم دو جریان شعری وجود داشت: ۱- اشعار باباغانی شیرازی (م: ۹۲۵ ه.ق.) و تقلید شاعران از شعر لطیف و روان او که به‌صورت طبیعی شعر حافظ را به لحاظ رقت معانی و ظرافت به‌سوی سبک هندی می‌کشاند،^{۲۴} مانند:

دوش آن پری ز دام رقیبان رمیده بود
 صید کمند ما شده آیا چه دیده بود؟!
 در جویبار دیده‌ی عشاق جلوه داشت
 سروی که سر ز چشمه‌ی حیوان کشیده بود
 بر برگ گل دمیده فسون سبزه‌ی خطش
 خوش سبزه‌ای کز آب لطافت دمیده بود
 رندانه با گدای خود آن پادشاه حسن
 بزم وصال بر در میخانه چیده بود
 می‌گفت هر سخن که گره بود در دلم
 گویا که از زبان من آن‌ها شنیده بود
 آشوب دیده و دل و آسیب عقل و دین
 آن قامت کشیده و زلف خمیده بود
 بر سر هر اشاره که شرح و بیان نداشت
 تا دیده را به هم زده بودم رسیده بود

آن لاله‌یی که چید فغانی ز باغ وصال

تاثیر آتش جگر و آب دیده بود^{۲۵}

۲- مکتب وقوع که حاصل چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و

رهایی از تقلید بود.^{۲۶}

در ربع اول قرن دهم هجری مکتب تازه‌یی در شعر فارسی به‌وجود آمد که به غزل، حیاتی تازه بخشید و آن را از حالت قالبی و تقلیدی قرن نهم بیرون آورد. این مکتب در نیمه‌ی دوم همان قرن به اوج خود رسید و تا ربع اول قرن یازدهم ادامه داشت.

شاعر این دوره برخلاف شاعر دوره‌ی مفعول که از نخبگان و سروده‌هایش از روی اطلاعات بود، از عوام است و مبتنی بر ذوق، شعر می‌گوید؛ بنابراین زبان وقوع، زبان حال و تقریباً خالی از اغراق‌های شاعرانه، چنان لفظی و معنوی، ارسال المثل و آرایه‌های دیگر است^{۲۷} و وقایع واقعی میان عاشق و معشوق را به تصویر می‌کشد، مانند این غزل هلالی جغتایی (م: ۹۳۵ ه.ق.):

یار بی‌رحم و من از درد به جانم چه کنم؟

من چنین، یار چنان، آه! ندانم چه کنم؟

می‌روم گریه‌کنان، نعره‌زنان، سینه‌کنان

مست و دیوانه و رسوای جهانم، چه کنم؟

بی‌تو امروز به صد حسرت و غم زیسته‌ام

آه اگر روز دگر زنده بمانم چه کنم؟!

بی‌تو تحمل نتوان چاره‌ی عشق تو ولی

من بی‌چاره تحمل نتوانم چه کنم؟

چند گویی که: هلالی، دگر از درد منال!

من از این درد به فریاد و فغانم چه کنم؟^{۲۸}

و یا این غزل لسانی شیرازی (م: ۹۴۲ ه.ق.):

نه با تو دست هوس در کمر توان کردن

نه از روی تو از دل به‌در توان کردن

نه از پی تو توان آمدن ز بیم رقیب

نه بی‌تو رو به دیار دگر توان کردن

بیا که گریه‌ی من آن‌قدر زمین نگذاشت

که در فراق تو خاکی به سر توان کردن

چنین که عاشق روی توام، ز جور رقیب

کی از جمال تو قطع‌نظر توان کردن

لسانی از پی وصل تو گر زیاده رود

متاع زندگی اش مختصر توان کردن^{۲۹}
اشتباه اصلی شاعران مکتب وقوع این بود که واقعت را تحت تاثیر سابقه‌ی غزل‌پردازی فقط بیان ماجرای عاشقانه می‌پنداشتند و نسبت به واقعت‌های دیگر پیرامون خود بی‌توجه بودند، معمولاً لسانی شیرازی را واضع و میرزا شرف جهان قزوینی را نمونه‌ی کامل این مکتب می‌دانند.^{۳۰}

به نظر نگارنده می‌توان مانی شیرازی (م: ۹۱۵-۹۱۸ ه.ق.) شاعر و نقاش اوایل عهد صفوی را از سرایندگان توانای مکتب وقوع دانست. او به شاه‌اسماعیل عشق می‌ورزید، هنرهای خود را بر وی عرضه می‌داشت و در دربار او بسیار مقرب بود. این تقرب حسادت اطرافیان را برانگیخت؛ تا این‌که سعایت امیر نجم‌ثانی، وکیل شاه‌اسماعیل، موجب قتل این شاعر به فرمان شاه شد.^{۳۱}

در دیوان مانی شیرازی، هر دو جریان شعری یاد شده در پیش، به چشم می‌خورد. برخی از اشعارش مانند اشعار باباافغانی، شعر حافظ‌گونه را به سبک هندی نزدیک می‌کند، مانند:

حدیث درد من گر کس نگفت افسانه‌یی کم‌تر

و گر من هم نباشم در جهان دیوانه‌یی کم‌تر
میان عاشقان مست اگر از گفت‌وگو مانم

به بزم باده‌خواران نعره‌ی مستانه‌یی کم‌تر
کسی عاشق بود کز آتش سوزان نپرهیزد

به راه عشق نتوان بود از پروانه‌یی کم‌تر
از آن سیم‌رخ را در قاف قربت آشیان دادند

که شد ز این دامگه مشغول دام و دانه‌یی کم‌تر
نکو بزمی‌ست عالم لیک ساقی جام غم دارد

خوش آن مهمان که خورد از دست او پیمان‌ه‌یی کم‌تر
مکن مانی عمارت در سرای دهر، بیرون روا

برای یک دو روزه عمر محنت خانه‌یی کم‌تر^{۳۲}
و برخی دیگر از اشعارش، بیان حالات عشق و عاشقی از روی واقعت است:

ای که جز یاد تو خاطر نکند شاد مرا!

این چه بیداد که یک ره ندهی داد مرا؟
می‌رم از ضعف به کوی تو آهی نکشم

که مباد از سر کویت ببرد باد مرا
تا تو را گوش به قول دگران خواهد بود

هیچ سودی ندهد ناله و فریاد مرا
ای که هر روز غلامی زنو آزاد کنی!

من غلام تو خدا را مکن آزاد مرا!
غیرگفتار خود از مانی بی‌چاره می‌رس!

که به‌جز یاد تو چیزی نبود یاد مرا^{۳۳}
چون شاعران دوره‌ی صفوی به دلیل شرایط اجتماعی نمی‌توانستند

از معشوق زن سخن بگویند، معشوق یاد شده در غزل‌های‌شان بیش‌تر مذکر بود. باید توجه داشت که فساد اخلاقی در زمینه‌ی عشق مرد به مرد در این دوره رواج تمام داشت.^{۳۴}

از ویژگی‌های بارز مکتب وقوع می‌توان به خیال‌پروری، مضمون آفرینی، تازه‌جویی، وجود تعبیرات عامیانه و سادگی زبان اشاره کرد که اندک‌اندک به پیچیدگی و باریک‌اندیشی گرایش یافت و سبک هندی را به‌وجود آورد. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- شاه‌اسماعیل اول، پارسادوست، منوچهر، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱، صص ۲۱۶-۲۱۷.
- ۲- تاریخ ایران پس از اسلام، اقبال آشتیانی، عباس، تهران: نامک، ۱۳۸۳، صص ۵۶۸-۵۶۹.
- ۳- شاه‌اسماعیل اول، صص ۲۴۱ و ۲۴۸.
- ۴- همان، صص ۲۵۳-۵- همان، صص ۲۴۴-۶- همان، صص ۲۷۷-۲۷۹.
- ۷- ایران عصر صفوی، سیوری، راجر، تهران، مرکز، ۱۳۸۶، صص ۲۹-۸- همان، صص ۳۳-۹- شاه‌اسماعیل اول، صص ۶۰۸-۶۱۳.
- ۱۰- تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌الله صفا، تهران، فردوس، ۱۳۶۶، ج ۳، صص ۲۷-۲۸.
- ۱۱- شاه‌اسماعیل اول، صص ۶۶۸-۶۶۹-۱۲- تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، صص ۱۳۶-۱۳۷-۱۳- همان، صص ۱۳۷-۱۴- دیوان شاه‌اسماعیل خطایی، خطایی، شاه‌اسماعیل، باکو، آکادمی علوم آذربایجان شوروی، ۱۹۶۶، صص ۵۵۰-۵۵۱-۱۵- همان، صص ۵۵۲-۵۵۴-۱۶- شاه‌اسماعیل اول، صص ۷۵۴-۷۵۶-۱۷- سیری در شعر فارسی، زرین‌کوب، عبدالحسین، تهران، نوین، ۱۳۶۳، صص ۱۲۶-۱۸- تاریخ ادبیات ایران، رضازاده شفق، صادق، تاریخ ادبیات ایران (شیراز): دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲ (صص ۵۵۸-۱۹- عرفان و ادب در عصر صفوی، تمیم‌داری، احمد، تهران، حکمت، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۹۹-۲۰- شاه‌اسماعیل اول، صص ۷۴۴-۷۴۷-۲۱- تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۱، صص ۳۳۷-۳۳۸.
- ۲۲- عرفان و ادب در عصر صفوی، ج ۱، صص ۱۰۶-۱۰۷.
- ۲۳- دانشنامه‌ی شعر، سیدحسن امین، تهران، دایرةالمعارف ایران‌شناسی، ۱۳۸۷، صص ۲۷۴-۲۷۶؛ سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلام‌رضایی، محمد، تهران، جامی، ۱۳۷۷، صص ۲۸۹.
- ۲۴- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، تهران، فردوس، ۱۳۸۱، صص ۲۶۹-۲۷۰.
- ۲۵- دیوان اشعار باباافغانی شیرازی، باباافغانی شیرازی، به تصحیح احمد سهیلی خواتناری، تهران، اقبال، ۱۳۴۰، صص ۲۴۵-۲۶- سبک‌شناسی شعر، صص ۲۷۰-۲۷- مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین، احمد، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۴، صص ۴-۳-۲۸- دیوان هلالی جغتایی، هلالی جغتایی، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، کتاب‌خانه‌ی سنایی، ۱۳۷۷، صص ۲۳.
- ۲۹- مکتب وقوع در شعر فارسی، صص ۴۴۴-۳۰- سبک‌شناسی شعر، صص ۲۷۰.
- ۳۱- دانشمندان و سخن‌سرایان فارسی، تهران، کتاب‌فروشی‌های اسلامی و خیام، ۱۳۴۰، ج ۴، صص ۲۹۷-۳۰۱.
- ۳۲- نسخه‌ی خطی دیوان مانی شیرازی، مجموعه‌ی دارای دوازده دیوان، کتابت، ۱۳۳۴ ه.ق. کتاب: پیرمحمد کاتب شیرازی، موجود در کتاب‌خانه‌ی مجلس، صص ۴۹۴-۳۳- همان، صص ۴۴۷-۳۴- سبک‌شناسی شعر، صص ۲۷۱.

وقت وداع یاران

- طاهره صفارزاده، شاعره‌ی نوپرداز معاصر و مترجم قرآن مجید به انگلیسی به جهان باقی شتافت.
- سخنور، ادیب و شاعر توانا، دکتر غوغا خلعتبری - فرزند مرحوم عادل خلعتبری رییس فقید انجمن ادبی دانشوران - در خارج از کشور درگذشت. این مصیبت را به خواهرش سیمین بهبهانی شاعره‌ی ملی ایران تسلیت می‌گوییم.
- منصور احمدی، نوازنده‌ی سنتور ما را تنها گذاشت. آخرین اجرای هنری او در انجمن ادبی مفاخر خراسان بزرگ در دفتر دایرةالمعارف ایران‌شناسی در ماه گذشته بود.